سه‌شنبه ۶ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۸۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

سخنرانی مهم رهبر انقلاب در جمع بسیجیان

درس موضع فعال

■ مقابل وضعیت استبداد یا هرج‌ومرج بایستید؛ چراکه آمریکا پشت آن است

■ بازداشت سران صهیونیست‌ها کافی نیست باید اعدام شوند

■ دشمن با دست خودش مقاومت را گسترش می‌دهد

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح روز دوشنبه در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف بسیجی، این پدیده بی‌نظیر را برخاسته از فرهنگ، هویت ملی و تاریخ ایران خواندند و با اشاره به ضرورت تقویت و کیفی‌سازی فعالیت‌های بسیج، گفتند: «مکتب و تفکر و اندیشه بسیجی بر دو پایه «خداباوری» و «خودباوری» استوار است و این دو خصوصیت ممتاز، عامل غلبه قطعی بر سیاست‌ها و نقشه‌های استکبار جهانی خواهد بود.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای متن کامل بیانات رهبر انقلاب بدین شرح است.

بسم الله الرّحمن الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. به همه شما درود می‌فرستم، همچنین به همه کسانی که این سخن را در سراسر کشور می‌شنوند. درباره بسیج، چند جمله‌ای عرض می‌کنیم. بسیج مستضعفین، در کشور یک پدیده بی‌نظیر بود که به وجود آمد؛ این پدیده در هیچ نقطه دیگری، در هیچ کشور دیگری در عالم، به این شکل سابقه نداشت و پدیده‌ای استثنایی محسوب می‌شد. این را از جهات مختلفی توضیح می‌دهم، عرض می‌کنم. این پدیده یک پدیده تقلیدی نبود، گرته‌برداری نبود؛ از فرهنگ ملّی خودمان و از تاریخ ما این پدیده جوشید. این اوّلین حرف ما است؛ نتیجه این حرف هم این است که این پدیده چون اصیل است، ماندنی است؛ این پدیده از بین‌رفتنی نیست. ثابت است، ماندنی است، چون ریشه‌دار است؛ مربوط به خود این ملّت، این تاریخ و این هویّت ملّی و ایرانی است.

این یک شبکه‌سازی فرهنگی است. بسیج در اصل، یک شبکه‌سازی فرهنگی و اجتماعی و البتّه نظامی است. آن چیزی که امروز ابتدائاً به ذهن می‌رسد، جنبه نظامی بسیج است، در حالی که جنبه نظامی با همه اهمّیّتش بیش از جنبه‌های فرهنگی بسیج و جنبه‌های اجتماعی بسیج نیست. امام این شبکه‌سازی را کرد، این ابتکار امام بود؛ کِی؟ در دل یک تهدید بزرگ. این از خصوصیّات امام بزرگوار ما بود. غالب شماها دوران امام را درک نکرده‌اید؛ یکی از خصوصیّات امام بزرگوار ما همین بود: از دل تهدیدها ایجاد فرصت می‌کرد؛ اینجا هم همین‌جور شد. روز سیزدهم آبان در سال ۵۸، حادثه تسخیر لانه جاسوسی اتّفاق افتاد؛ قدرت درجه اوّل آن روز دنیا، یعنی آمریکا، شروع کرد به چنگ و دندان نشان دادن، تهدید کردن، تحریم کردن؛ در دل این تهدیدها، امام در روز پنجم آذر، یعنی با فاصله‌ی حدود بیست‌ودو سه روز از آن قضیّه، فرمان بسیج را صادر کرد؛ یعنی آن وقتی که کشور، آن هم کشوری که تازه انقلاب کرده، هیچ‌یک از ابزارهای دفاع از خودش را هم تقریباً در اختیار ندارد و مورد یک چنین تهدید بزرگی قرار گرفته، در یک چنین شرایطی امام ناگهان یک شجره طیّبه‌ای را، یک نهالی را در زمین اجتماعی و فرهنگی و نظامی کشور نشاند و آن، شجره طیّبه بسیج بود. از تهدید، فرصت ایجاد کرد.

خب، گفتیم جنبه نظامی بسیج یکی از جنبه‌ها است. آنچه حالا عرض می‌کنم، این است که در درجه اوّل بسیج یک «مکتب» است، یک «اندیشه» است، یک «تفکّر» است؛ درواقع یک شبکه‌سازی فکری و فرهنگی است. اگر بسیج کار نظامی هم می‌کند، کار اجتماعی هم می‌کند، کار علمی هم می‌کند که می‌کند، منشأ آن همان منطق و اندیشه‌ای است که پایه بسیج را تشکیل می‌دهد. اگر من بخواهم آن منطق و پایه‌ای را که بسیج روی آن قرار گرفته در دو کلمه توضیح بدهم و عرض بکنم، باید بگویم آن دو کلمه عبارت است از «ایمان» و «اعتماد به نفس»؛ یا می‌توانید تعبیر کنید: «خداباوری» و «خودباوری»؛ این دو پایه بسیج است. بسیج روی خداباوری و خودباوری بنا شده. هرچه هم این درخت، امروز و فردا و آینده ثمره بدهد، ناشی از همین دو چیز است: خودباوری و خداباوری. بسیج خصوصیّات زیادی دارد که همه از این دو پایه اصلی نشأت می‌گیرد. بسیج شهامت دارد، ابتکار دارد، سرعت عمل در کارها دارد، دید وسیع دارد، دشمن‌شناسی دارد، در برابر تحرّکات گوناگون حساسیّت دارد ـ اینها مال بسیج است ـ امّا همه اینها و سایر خصوصیّات ممتاز بسیج، ناشی از همان دو خصوصیّت است که اگر فکر کنیم، بشکافیم، بحث کنیم، کاملاً روشن می‌شود. من البتّه یک کلمه مختصری حالا عرض می‌کنم.

وقتی می‌گوییم خداباوری، نتیجه خداباوری عبارت است از تسلیم در مقابل خدا، توکّل به خدا، یقین به وعده خدا؛ خداباوری یعنی این. اوّلاً تسلیم در مقابل خدا، ثانیاً تکیه به کمک خدا داریم و امید به کمک خدا داریم؛ ثالثاً به وعده‌ای که خدا به ما داده، اعتماد داریم؛ مثلاً «اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم.» این، درباره خداباوری.

درباره خودباوری. نتیجه‌ی خودباوری و اعتماد به خود و قبول خود، عبارت است از کشف ظرفیّت‌های خود. ما خیلی اوقات از ظرفیّت‌های وجودیِ خودمان غافلیم؛ حتّی از ظرفیّت‌های جسمیِ خودمان غافلیم، چه برسد به ظرفیّت‌های فکری، چه برسد به ظرفیّت‌های روحی و قلبی. خودباوری ما را متوجّه این ظرفیّت‌ها می‌کند، بعد ما را قدرشناس این ظرفیّت‌ها می‌کند و بعد موجب می‌شود که این ظرفیّت‌ها را به کار بگیریم. مثال‌های زیادی دارد که حالا دیگر وارد بحث و بیان جزئیّات نمی‌شویم.

البتّه «خداباوری» که عرض می‌کنیم ـ چه در ابعاد فرد بسیجی، چه در ابعاد سازمان بسیج ـ وقتی که به وجود آمد و وجود داشت، این حقیقت که وعده الهی است، در مقابل چشم انسان تجلّی پیدا می‌کند؛ یک جا [می‌فرماید] «وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرضِ وَکانَ اللهُ عَلیماً حکیما»، یک جا هم «وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرضِ وَکانَ اللهُ عَزیزاً حکیما»؛ «عزیز» یعنی موجودی که غلبه می‌کند و هرگز مغلوب نمی‌شود؛ این معنای «عزیز» است. وَلِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَالأَرض؛ همه این اجزای بی‌نهایت عالم وجود، لشکر خدایند؛ اگر ما بنده خدا باشیم، این لشکر می‌تواند به کمک ما بیاید؛ این از سنّت‌های الهی و سنّت‌های طبیعی است. البتّه فرماندهیِ این لشکر با ما نیست که هر وقت اراده کردیم، از این لشکر الهی استفاده کنیم؛ فرمانده خدا است؛ منتها این فرمانده، در شرایط خاص و با شرایط معیّن، وقتی که ما آماده باشیم، این را در اختیار ما می‌گذارد. اینها حرف قرآن است، اینها تعبیرات صریح قرآن کریم است: بَلی اِن تَصبِروا وَ تَتَّقوا وَ یَأتوکُم مِن فَورِهِم هذا یُمدِدکُم رَبُّکُم بِخَمسَةِ آلافٍ مِنَ المَلائِکَةِ مُسَوِّمین؛ اگر شما آماده باشید، ملائکه الهی هم به کمک شما می‌آیند. ما این کمک‌ها را دیدیم؛ هم در دفاع مقدّس دیدیم، هم قبلش دیدیم، هم بعدش دیدیم، هم در میدان سیاسی دیدیم، هم در میدان جنگ نظامی دیدیم، هم در میدان علمی دیدیم کمک‌های الهی را. کمک الهی را کجا می‌شود دید؟ آنجایی که کاری شما انجام می‌دهید که به خیال خودتان، به نظر خودتان ناممکن است امّا ممکن می‌شود، تحقّق پیدا می‌کند. خب، اینها خصوصیّات مربوط به خداباوری نیروی بسیج است. و عرض کردیم که هم سازمان بسیج، هم شخص هر بسیجی؛ اعتماد به نفس، توانایی‌های فکری و روحی و جسمی خود را شناختن، قدرت اراده و تصمیم‌گیری را قدر دانستن، مقهور اراده دشمن نشدن.

یک عاملی در وجود ما هست که خیلی اوقات از آن عامل غفلت می‌کنیم؛ آن چیست؟ آن، قدرت تصمیم‌گیری است، قدرت اراده است. ما اراده داریم، قدرت اراده داریم. اراده یک انسان گاهی آن قدر قوی می‌شود که می‌تواند چیزی را خلق کند، به وجود بیاورد؛ این قدرت در ما هست؛ نمی‌شناسیم، قدر نمی‌دانیم، تقویتش نمی‌کنیم. در زندگی بسیجی و مکتب بسیجی، شناختن این توانایی ذاتی و درونی انسان، یکی از برجستگی‌ها و امتیازهاست. خب این خصوصیّات که شما مقهور اراده دشمن نشوید، اراده خودتان را غلبه بدهید، اعتماد به نفس داشته باشید، خصوصیّات خودتان را بشناسید، اینها درست نقطه مقابل نقشه‌های استکبار جهانی برای ملّت‌ها است؛ درست نقطه مقابلِ اینها است. یکی از اوّلین کارهای استکبار جهانی، یعنی سلطه‌های جهانی، قدرت‌های سلطه عالم برای تسلّط بر ملّت‌ها این است که توانایی‌های آن ملّت‌ها را انکار کنند، آن ملّت‌ها را تحقیر کنند؛ این [حرف] هم در قرآن هست؛ در مورد فرعون [می‌گوید:] «فَاستَخَفَّ قَومَهُ فَأَطاعوه»؛ حالا او نجیب‌تر از سلاطین امروز دنیا بود؛ سلطانِ آمریکا، سلطانِ اروپا ـ اینها سلطانند دیگر ـ او نجیب‌تر از اینها بود. او فقط روی مردم خودش این کار را می‌کرد؛ اینها روی ملّت‌های دیگر این کار را می‌کنند. فَاستَخَفَّ قَومَهُ فَأَطاعوه؛ قوم خودش را خفیف کرد، تحقیر کرد، کوچک نشان داد، امتیازاتشان را انکار کرد: أَلَیسَ لی مُلکُ مِصرَ وَ هذِهِ الأَنهارُ تَجری مِن تَحتی؛ نتیجه‌اش این شد که این قوم دیدند که خب او بالاتر است، لذا از او اطاعت کردند. نقشه استعمار این است: تاریخ شما را انکار کنند، هویّت شما را انکار کنند، توانایی‌های شما را انکار کنند؛ وقتی شما می‌خواهید نفت کشور خودتان را که در اختیار انگلیس است ملّی کنید، عواملشان در داخل کشور بیایند سخنرانی کنند، بنویسند که «چه حرف‌ها! ایرانی مگر می‌تواند پالایشگاه آبادان را اداره کند؟ ایرانی آفتابه گلی هم نمی‌تواند بسازد»! این جوری تحقیر کنند ملّت‌ها را. بسیج، نقطه مقابل این است؛ بسیج، نقطه مقابل این تحقیر ملّی است. سلطه‌گران برای اینکه بتوانند تسلّط پیدا کنند، دست‌کاری می‌کنند باورهای ملّی را. یک ملّتی یک تاریخی دارد، یک اعتقادی دارد، یک بزرگانی دارد، یک باوری دارد؛ این را دستکاری می‌کنند، خراب می‌کنند، تحقیر می‌کنند.

عزیزان من، برادران من، خواهران من، فرزندان من! ایران در طول سال‌های طولانی، بخصوص در دوران قاجار و پهلوی تحقیر شد. انقلاب آمد ورق را برگرداند. بعد از جنگ جهانی اوّل، کنفرانسی در پاریس تشکیل شد که کشورهای متعدّدی در آن کنفرانس شرکت کردند برای تصمیم‌گیری درباره وضع دنیا. شرکت‌کنندگان کسانی بودند که در جنگ شرکت داشتند یا آسیب دیده بودند؛ ایران هم جزء آسیب‌دیدگان جنگ اوّل جهانی بود که یک هیئت را فرستاد، [امّا] هیئت ایرانی را در کنفرانس پاریس راه ندادند. این جور تحقیر می‌کردند؛ ملّت ایران در یک دوره‌ای این جور تحقیر شده. تفکّر بسیجی این حصار را می‌شکند؛ این سلاح نرم‌افزاریِ بسیار خطرناک را تفکّر بسیجی از اثر می‌اندازد. تفکّر بسیجی خودباوری می‌دهد. یک نوجوان، یک جوان احساس می‌کند حضور دارد، توانایی دارد؛ این خودباوری‌اش است، خداباوری‌اش را هم که عرض کردیم؛ می‌داند همه عالمِ وجود، لشکر خدا است: وَ لِلّهِ جُنودُ السَّماواتِ وَ الأَرض؛ و اگر در راه خدا حرکت کند، این لشکر به کمکش می‌آید. امروز هم همین‌جور است، فردا هم همین‌جور است. بدون شک این روحیه بسیجی، این توانایی بسیجی، این حالت بسیجی که در کشور ما هست و خوشبختانه در تعدادی از کشورهای دیگر، در اعضای جبهه مقاومت این روحیه وجود دارد، قطعاً بر همه سیاست‌های آمریکا و غرب و استکبار و رژیم صهیونیستی غلبه پیدا خواهد کرد.

دو سه نکته در باب بسیج. یک نکته این است که تفکّر بسیجی را امام در طول پانزده سال نهضت و مبارزه قبل از پیروزی، در کشور زمینه‌سازی کرد، رسوخ داد، تولید کرد. این خصوصیاتی که راجع به بسیج می‌گویم، خیلی‌هایش در بیرون سازمان بسیج اتفاق می‌افتد؛ خیلی‌هایش حتی قبل از تشکیل سازمان رسمی بسیج اتفاق می‌افتد. امام از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷، پانزده شانزده سال این روحیه بسیجی را، همین خودباوری را، همین خداباوری را، این اعتماد به نفس را و اعتماد به خدا را، این امید به پیروزی را و روشن نشان دادن افق را به ملت ایران تلقین کرد؛ گفت و گفت و مردم بااستعداد ما، جوان‌های باظرفیت ما پیام امام را گرفتند. در مقابل همه آن عوامل تضعیف‌کننده، این پیام، تلقی به قبول شد، لذا آرام‌آرام این حرکت رشد پیدا کرد، پیشرفت پیدا کرد، گسترش پیدا کرد، به انقلاب رسید، و یک رژیمی را سرنگون کرد که آن رژیم مورد حمایت تقریباً همه قدرت‌های دنیا بود؛ یعنی رژیم پهلوی را آمریکایی‌ها حمایت می‌کردند، اروپایی‌ها حمایت می‌کردند، اواخر شوروی‌ها حمایت می‌کردند؛ همه حمایت می‌کردند. امکانات هم زیاد داشت. امام این رژیم را ساقط کرد، نابود کرد، ریشه‌کن کرد، بدون اینکه از سوی مردم حتی یک گلوله پرتاب بشود. بله، در دنیا کودتا اتفاق می‌افتد، غالباً هم نافرجام و ناماندگار، [اما] در اینجا جنگ مسلحانه‌ای پیش نیامد؛ مردم با جانشان، با تنشان، با ایمانشان آمدند وسط میدان و میدان را تصرف کردند و حریف را از میدان بیرون کردند.

بعد از پیروزی انقلاب هم امام از بسیج سدی درست کرد در مقابل ضربه‌های گوناگون؛ هم قبل از دفاع مقدس، هم در خود دفاع مقدس، هم بعد از دفاع مقدس؛ هم در میدان نظامی، هم در میدان اجتماعی، هم در میدان علمی، هم در تولید سلاح، هم در صحنه‌های بین‌المللی و سیاسی. توجه دارید که قدرت اجتماعی و قدرت علمی، تولید قدرت سیاسی می‌کند. یک ملت اگر توانست در درون خود اتحاد خود را، عزم خود را، ایستادگی خود را، تعداد قابل توجهی نیروی فعال وسط میدان خود را نشان بدهد، توانایی علمی خودش را نشان بدهد، توانایی اجتماعی خودش را نشان بدهد، قوت سیاسی هم پیدا می‌کند؛ در [فضای] بین‌الملل می‌تواند حرف محکم بزند، می‌تواند حرفش را پیش ببرد؛ این کارها را امام (رضوان الله علیه) انجام داد.

بسیج، هم در دفاع مقدس نقش ایفا کرد، هم در ایمن‌سازی و در حفظ امنیت کشور نقش ایفا کرد، هم در کار سازندگی، هم در کار علمی. این کسانی که توانستند آن توطئه خباثت‌آلود آمریکا را در قضیه اورانیوم غنی‌سازی شده ۲۰ درصد که مورد احتیاج کشور بود بشکنند، بسیجی بودند؛ شهید شهریاری بسیجی بود، شهدای هسته‌ای ما استادان بسیجی کشور بودند. [این] یک داستان مفصلی دارد. ما اورانیوم غنی‌سازی شده ۲۰ درصد را برای رادیوداروها احتیاج داشتیم؛ نیاز مبرم کشور بود. یک مقدار داشتیم که از سابق تهیه شده بود، داشت تمام می‌شد؛ باید می‌خریدیم. از چه کسی؟ از آمریکا. آمریکایی‌ها گفتند که شما هر چه تولید ۳٫۵ درصد دارید به ما بدهید، ما در مقابل به شما ۲۰ درصد می‌دهیم. دو رئیس جمهور معروف آن روز دنیا را ـ که من نمی‌خواهم اسم بیاورم و با ما هم روابط خوبی داشتند ـ واسطه قرار دادند که این اتفاق و این معامله انجام بگیرد، مسئولان کشور ما هم قبول کردند؛ مال نیمه دوم دهه هشتاد است. وسط مذاکرات دیده شد که آمریکایی‌ها دارند کلک می‌زنند، فهمیدیم که آن‌ها دارند کلک می‌زنند، جلویش گرفته شد. در همان حینی که این‌ها خیال می‌کردند به خاطر نیاز کشور به ۲۰ درصد، ایران تسلیم خواهد شد، در همان زمان، استادان بسیجی ما در داخل، خودشان [اورانیوم] ۲۰ درصد را تولید کردند! آمریکایی‌ها باورشان نمی‌آمد که این اتفاق بیفتد. من یک وقتی چند سال پیش همین جا گفتم که در این فرایند غنی‌سازی اورانیوم، آن بخش بسیار مشکلش رسیدن تا ۲۰ درصد است، از آنجا به بعد خیلی آسان است. این بخش مشکل را درحالی‌که دشمن در حال کلک زدن به ما بود، بچه‌های بسیجی ما، جوان‌های بسیجی ما، دانشمندان بسیجی ما خودشان در داخل تولید کردند، از آن‌ها بی‌نیاز شدیم. بسیج در این میدان‌ها کار کرده. در تعاملات جهانی، بسیج فعال بوده. پس هم در [مسائل] نظامی، هم در اجتماعی، هم در علمی، هم در سیاست بین‌الملل، نیروی بسیج فعال بوده، کارآمد بوده، توانایی‌های زیادی داشته.

عرض کردیم که خیلی از این‌ها البته در داخل سازمان بسیج اتفاق نیفتاده، مال بیرون بسیج است؛ اما آنچه برای ما مهم است این است: روحیه بسیجی، مکتب بسیجی و فرهنگ بسیجی. این را سعی کنید از دست ندهید. شما بسیجی‌های امروز کشور، هر جا هستید، اگر در کارخانه‌اید، اگر در دانشگاهید، اگر در حوزه‌اید، اگر در آزمایشگاه علمی‌اید، اگر در میدان جنگید، این امتیاز را، این روحیه را، این آماده‌به‌کاری را، این حساس بودن در قبال حوادث را از دست ندهید، آماده باشید. نکته اول این است.

نکته دوم. در دنیای امروز، بسیاری از جوان‌ها در کشورهای مختلف به بن‌بست ذهنی می‌رسند و احساس بیهودگی می‌کنند. جوان است، آرمانی ندارد، هدفی ندارد، احساس بیهودگی می‌کند. البته خیلی‌ها پوست‌کلفتند، اما بعضی‌ها لطیفند، حساسند، احساس بیهودگی می‌کنند، خودکشی زیاد می‌شود. شما می‌شنوید و در آمارها می‌خوانید که در دنیا خودکشی زیاد می‌شود؛ به خاطر همین است؛ جوان احساس بن‌بست ذهنی می‌کند، احساس بیهودگی می‌کند، احساس می‌کند در مقابل موانع گوناگونی که در مقابلش هست ناتوان است، [لذا] این احساس ناتوانی او را به بن‌بست می‌کشاند. «تفکر بسیجی» شکننده بن‌بست است. یکی از خصوصیات تفکر بسیجی و فرهنگ بسیجی این است: بن‌بست‌شکن است، اجازه نمی‌دهد که جوان به بن‌بست برسد؛ چرا؟ چون با این تعریفی که ما کردیم، اولاً به خودش اعتماد دارد، به توانایی‌های خودش اعتماد دارد و می‌داند که اگر همت کند، می‌تواند. ثانیاً، مرعوب‌های وهوی سلطه‌گران نیست؛ بسیج این جوری است دیگر. الان شما ببینید تبلیغات آمریکا و رژیم صهیونیستی و دیگران، چه جنجالی سر قضایای مختلف، راست، دروغ راه می‌اندازند! جوان بسیجی لبخند تمسخر می‌زند به این هیاهوها و اعتنایی نمی‌کند؛ بنابراین مرعوب نیست. ثالثاً، جوان بسیجی دارای آرمان است، دارای هدف است؛ بی‌هدف نیست؛ به هدف خودش هم ایمان دارد. هدف جوان بسیجی، «جامعه اسلامی» است و بعد از آن، «تمدن اسلامی» است؛ دارد به این سمت پیش می‌رود. هدف جوان بسیجی «استقرار عدالت» است؛ فکر می‌کند می‌تواند این کار را بکند و در این راه پیش می‌رود.

جوان بسیجی از مرگ هم که نمی‌ترسد؛ می‌بینید دیگر، در دفاع مقدس می‌آمدند گریه می‌کردند، التماس می‌کردند که اجازه بدهید ما برویم. سنشان مناسب نبود، اجازه داده نمی‌شد؛ گریه، التماس؛ این مال ۴۰ سال پیش، ۳۵ سال پیش است مثلاً، چند سال پیش هم در دفاع از حرم همین‌جور بود. در دفاع از حرم چقدر جوان‌ها به بنده نامه می‌نوشتند، بعضی‌ها ملاقات می‌کردند که آقا اجازه بدهید ما برویم. اجازه داده نمی‌شد، می‌رفتند به فلان گروهی که اجازه داشتند خودشان را می‌رساندند. شنیده‌اید دیگر، خوانده‌اید احوالاتشان را و می‌دانید. از مرگ نمی‌ترسد. آخر کار هم شهادت است. معتقد به شهادت است؛ معتقد است که اگر در این راه از دنیا رفت، در عالی‌ترین مقامات معنوی الهی جا خواهد گرفت؛ پس راه در مقابل او باز است؛ بن‌بست ندارد دیگر. یک چنین آدمی دیگر احساس بن‌بست نمی‌کند؛ چون بن‌بست وجود ندارد، برای همین است، به همین دلایل است که بسیجی ایرانی یقین دارد که سرانجام در یک روز، رژیم صهیونیستی را قطعاً از بین خواهد برد.

نکته بعدی؛ بسیج در کشور باید روز به روز تقویت بشود؛ بسیج را باید تقویت کرد. پرچم بسیج، پرچم دفاع از حقوق ملت است؛ پرچم دفاع از حقیقت است. این پرچم باید همیشه در اهتزاز بماند. این، کمک لازم دارد، این، تقویت لازم دارد. چه جوری تقویت کنیم؟ عمق‌سازی، کیفی‌سازی. عمق بدهیم. معارف بسیجی در ذهن جوان بسیجی عمق پیدا کند، کیفی‌سازی بشود؛ سطحی به مسائل نگاه نشود. کتاب لازم است، مطالعه لازم است، مباحثه لازم است، حلقات درسی لازم است، حلقات تحقیقی لازم است؛ این‌ها باید انجام بگیرد.

یک بعد از تقویت بسیج هم این است که بایستی به عنوان بازوی اجرایی و به عنوان بازوی فعال برای دستگاه‌های اجرایی کشور، همه جا حاضر و آماده به کار باشند؛ در بخش نظامی، در بخش علمی، در بخش خدمت‌رسانی، در تعلیم و تربیت، در تبیین، در تبلیغ، در کارآفرینی؛ که حالا در این نمایشگاهی که به من نشان دادند، خیلی از این‌ها را فی‌الجمله بسیج دنبالش است و ان شاءالله باید با شدت و قوت ادامه پیدا کند. در گذشته هم همین‌جور بوده؛ بسیج در طول این سال‌های متمادی همیشه به دولت‌ها کمک کرده، بازوی فعال دولت‌ها بوده؛ البته بعضی از دولت‌ها قدرشناسی کردند، بعضی هم قدرشناسی نکردند؛ کمک بسیج را گرفتند و از او تشکر نکردند.

در زمینه سیاسی هم [همین‌طور]؛ این هم جزء چیزهایی است که تقویت بسیج است. بسیج بداند که قواره مطلوب آمریکا برای کشورهای این منطقه یک دوگانه است: یا «استبداد» یا «هرج‌ومرج»؛ به تعبیر فرنگی: یا دیکتاتوری یا آنارشیسم. آمریکا برای این منطقه این دوگانه را در نظر دارد. یک کشوری که مورد نظر آن‌ها است، یا اینکه بایستی یک قدرت مستبدی در رأس باشد که بتوانند با او ببندند، هر کاری می‌خواهند با او قرار بگذارند و او تسلیم آن‌ها بشود؛ یا اگر این نشد، باید [آن] کشور هرج‌ومرج پیدا کند، زندگی بر مردم دشوار بشود. بسیج با هر دوی این‌ها باید مقابله کند؛ هم با ایجاد دیکتاتوری و استبداد، هم با ایجاد هرج‌ومرج و اغتشاش؛ هر کدام از این دو در کشور پیش بیاید، دست دشمن در کار است و [بسیج] باید در مقابلش بایستد. خب، حالا این‌ها مسائل مربوط به بسیج بود که عرض کردیم. حرف درباره بسیج بیش از این‌هاست؛ این فعلاً مقداری [از حرف‌ها بود.]

یک جمله هم درباره منطقه عرض بکنم. من درباره این مسائل جاری لبنان و فلسطین و غزه و مانند این‌ها که همه در جریان قضایا هستید و خبرها را می‌بینید و می‌شنوید و اطلاع پیدا می‌کنید، دو نکته را بگویم. نکته اول این است که بمباران خانه‌های مردم پیروزی نیست؛ احمق‌ها خیال نکنند چون خانه مردم را بمباران می‌کنند، چون بیمارستان را بمباران می‌کنند، چون اجتماعات مردم را بمباران می‌کنند، پس پیروز شدند؛ نه، هیچ‌کس در دنیا، این را پیروزی نمی‌داند؛ این‌ها پیروزی نیست. دشمن در غزه پیروز نشده، دشمن در لبنان پیروز نشده؛ دشمن در غزه و لبنان پیروز نخواهد شد. آن کاری که این‌ها کردند پیروزی نیست، جنایت جنگی است؛ خب حکم بازداشتش را صادر کردند، [اما] کافی نیست؛ بایستی حکم اعدام نتانیاهو، حکم اعدام این سران جنایتکار صادر بشود. این نکته اول.

نکته دوم. جنایت‌های رژیم صهیونیستی، هم در لبنان، هم در غزه و فلسطین، عکس آنچه را آن‌ها می‌خواهند، ایجاد می‌کند؛ یعنی مقاومت را تقویت می‌کند و تشدید می‌کند؛ این هم یک قاعده کلی است؛ این هیچ برو برگرد ندارد. جوان غیور فلسطینی، جوان غیور لبنانی می‌بیند که اگر در میدان مبارزه باشد خطر هست، اگر در میدان مبارزه هم نباشد باز هم خطر هست؛ پزشک است، پرستار است، بیمار است، کارگر است، کاسب است اما خطر مرگ، خطر بمباران، خطر تهدید دشمن هست؛ خب برای این [فرد] دیگر راهی باقی نمی‌ماند، می‌گوید بروم مبارزه کنم؛ او را وادار می‌کنید. این احمق‌ها به دست خودشان جبهه مقاومت را دارند توسعه می‌دهند و تشدید می‌کنند؛ این یک الزام قطعی است و تخلف‌ناپذیر است و بنده امروز دارم می‌گویم: امروز جبهه مقاومت هر اندازه گسترش دارد، فردا این گسترش چند برابر خواهد شد. پروردگارا! این سرانجام مطلوب همه بندگان صالح خودت را به حق محمد و آل محمد هر چه زودتر برسان.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم